

کالبد شکافی چند شایعه درباره شیخ فضل الله نوری

(فروش مدرسه چال به بانک استقراضی،

رشوه‌گیری از شاه و امین‌السلطان و...)

نویسنده: علی ابوالحسنی (منذر)



موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

سخن ناشر

مشروطیت یکی از حوادث بزرگ تاریخ ما است که، به لحاظ «تأثیر عمیق و ماندگار» آن در سیاست و فرهنگ این سرزمین، نقطه عطفی در تاریخ کشورمان به شمار می‌رود و درست از همین رو، پیوسته حجم عظیمی از پژوهشها و تحقیقات تاریخی را به خود اختصاص داده است. گذشت زمان، نه تنها از اهمیت بحث در باره این رویداد مهم تاریخی نکاسته، بلکه بر آن افزوده است، و امروزه بسیاری از صاحب نظران، بررسی مشروطیت و کاوش در باره ریشه‌ها و پیامدهای آن را، برای آشنایی نسل حاضر با پیشینه فرهنگ و سیاست کشور خویش، و عبرت‌گیری از آن در جهت بهبود وضعیت کنونی خود، امری حیاتی می‌شمرند.^(۱)

بررسی مشروطیت، بدون پرداختن به مواضع فکری و سیاسی حاج شیخ فضل‌الله نوری ممکن نیست. شیخ، در مراحل گوناگون تاریخ مشروطیت دخیل و مؤثر بوده و اگر مشروطیت را، در تاریخ کشورمان، بستر بروز نخستین نزاع جدی و اصولی میان «دین» و «مدرنیسم» به شمار آوریم، شیخ در آن هنگامه، پرچمدار دفاع از دین محسوب می‌شده و هزینه سنگینی نیز بابت این امر پرداخت کرده است.

سوکمندانه باید گفت که تاریخ مشروطیت، غالباً نه از منظری «بی‌طرفانه» و «واقع‌بینانه»، بلکه «یکسویه» و «جهت‌دار» نوشته شده و به ویژه کسانی که سنگ بنای «نگارش» این بخش از تاریخ ایران را نهاده‌اند، بیش و پیش از آنکه در صدد کشف و شناسایی حقایق باشند، ملوکوک‌سازی چهره «جناح مغلوب» و توجیه اعمال «جناح

۱. چالش سنت و تجدد / اسلام و غرب؛ عملکرد مطبوعات، احزاب و گروهها؛ تبعات سوء اختلافات و دسته‌بندیهای «بحران‌ساز» سیاسی و اجتماعی؛ نقش سنن و شعائر مذهبی در پیشبرد قیام‌رهایی بخش ملی، مناسبات دین و دولت / علما و سلطنت؛ نقش مرموز انجمنهای ماسونی؛ پیامدهای استمداد از بیگانه سلطه‌جوی برای انجام اصلاحات داخلی، و مسائلی از این دست، از موضوعات مهم و قابل توجهی است که می‌توان مواد لازم برای بحث و تحقیق پیرامون آنها را، از سفره تاریخ مشروطیت برگرفت.

غالب در آن دوران عبرت زای تاریخی را مد نظر داشته‌اند. و پر پیداست که این امر، بدون «تحریف» یا «کتمان» واقعیات، شدنی نبوده است. آگاهی از این امر به آنان که در پی درک حقیقتند (و حقیقت را نیز بیش از افلاطون دوست دارند) هشدار می‌دهد که در بررسی حوادث مشروطیت از نقد اظهارات مورخان غافل نبوده و در داوریه‌های خویش حتی الامکان به اسناد دست اول تاریخی رجوع کنند. آنچه در باب تحریف و کتمان حقایق گفتیم، بیش از همه دربارهٔ شیخ فضل‌الله نوری، این شخصیت تأثیرگذار تاریخی، مصداق دارد. چندانکه با بررسی «نقدانه» اظهارات غالب مورخین مشروطه دربارهٔ وی می‌توان دامنهٔ وسیع «تحریف حقیقت» را در تواریخ مشروطیت دریافت و از آشنایی با این فاجعه چراغی برای «بازنگری و بازنگاری» مشروطیت برافروخت و به «واقعیات» این دوران سرنوشت ساز نزدیک و نزدیکتر شد...

بازنگری در تاریخ معاصر - به ویژه عصر مشروطیت - نیاز «حیاتی و فوری» نسل امروز است که مؤلف محترم این اثر، در همین زمینه، سلسله مباحث تاریخی و تحلیلی زیر را پیرامون «مشروطیت و حاج شیخ فضل‌الله نوری» به رشته نگارش درآورده است:

۱. آخرین آواز قوا!؛ بازکای شخصیت و عملکرد شیخ فضل‌الله نوری بر اساس «آخرین برگ» زندگی او، و «فرجام» مشروطه.
۲. شیخ فضل‌الله نوری، و مکتب تاریخ نگاری مشروطه.
۳. اندیشهٔ سبز، زندگی سرخ؛ زمان و زندگی شیخ فضل‌الله نوری.
۴. خانه، بر دامنهٔ آتشفشان!؛ شهادتنامهٔ شیخ فضل‌الله نوری.
۵. دیده بان، ییدار!؛ دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل‌الله نوری.

۶. راز پنهان!؛ شیخ فضل‌الله نوری را، چرا و چه کسانی کشتند؟

۷. کارنامهٔ شیخ فضل‌الله نوری؛ پرسشها و پاسخها.

۸. کالبد شکافی چند شایعه دربارهٔ شیخ فضل‌الله نوری... (کتاب حاضر).

۹. خاطرات و اظهارات آیت الله حاج شیخ حسین لنگرانی دربارهٔ مشروطیت

و شیخ فضل‌الله نوری.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

تهران ۱۳۸۵

فهرست

- ۵ تو در نماز عشق چه خواندی...!!
 ۷ سخن ناشر
 ۱۳ پیشگفتار
 ۱۵ بخش اول: عدالت، شفقت و دقت قضایی شیخ
 ۱۷ محکمه پررونق، احکام معتبر
 ۲۰ اعمال نفوذ در قوه قضائیه، ممنوع!
 ۲۴ عدالت، وقتی اجرا می شود که دانه درشتها را بگیرند!
 ۲۵ آخر چگونه ملتفت این نکته نیستید؟!
 ۲۸ نادعلی، مهرها را بشکن!
 ۳۱ به قدری خوش مضمون و قشنگ نوشت که
 ۳۲ پاکدستی؛ میراث شیخ برای فرزندان
 ۳۳ بررسی یک اتهام: آیا شیخ، صد هزار حکم ناسخ و منسوخ داده است؟!
 ۴۳ بخش دوم: فروش مدرسه چال به بانک استقراضی ربطی به شیخ نداشت!
 ۴۵ طرح مسئله
 ۴۹ نکات قابل تأمل در گزارش مل در گزارش مورخان از ماجرا
 ۴۹ الف) تناقض بین گزارشها
 ۵۲ ب) گزارشگران، نوعاً از دشمنان شیخ اند
 ۵۴ ج) نقل یکسویه ماجرا
 ۵۷ اسناد دست اول، نشان از بی گناهی شیخ در ماجرا دارد
 ۶۳ بخش سوم: شیخ، اهل سازش با روسها نبود!
 ۶۵ شیخ، آماج اتهامات
 ۶۸ اقدامات شیخ بر ضد نفوذ و سلطه روسیه
 ۶۸ ۱. طبع و انتشار فتوای ضد استعماری / ضد روسی

۲. براندازی صدراعظم روس فیل ۶۹
۳. همکاری با صدراعظم استقلال خواه و مخالف با سلطهٔ روسیه ۷۰
۴. ضدیت دوستان شیخ (در دربار محمدعلی شاه) با ایادی روسیه ... ۷۲
۵. نهضت عدالتخواهی، انگیزهٔ ضد... روسی داشت ۷۶
۶. هشدار نسبت به دسایس روس و انگلیس در مشروطه ۷۷
۷. حمایت از «بانک ملی»، برای قطع نفوذ اقتصادی روس و..... ۷۸
۸. چالش با استراتژی روس و انگلیس در استبداد صغیر..... ۷۹
۹. امتناع از پناهندگی به سفارتخانه روسیه..... ۸۲
- محقق بی طرف، شیخ را دل بستهٔ کیان اسلام و استقلال ایران می‌یابد..... ۸۴
- بخش چهارم: آیا شیخ، از امین السلطان رشوه گرفت؟! ۸۷
- سنگها و خدنگها..... ۸۹
- تکذیب اتهام توسط برخی شاهدان عینی ۹۱
- نقوض دهگانه بر سخنان کسروی ۹۳
- بخش پنجم: آیا شیخ از محمدعلی شاه پول گرفت؟! ۱۱۷
- تفهیم اتهام! ۱۱۹
- نقد سخن کسروی ۱۲۱
- دلایل سه گانه بر نادرستی اتهام ۱۲۳
- سخن شهید مدرس در براءت ساحت شیخ از اتهامات ۱۳۴
- بخش ششم: شیخ شدیداً از رشوه بیزار بود!..... ۱۳۹
- پیشنهاد دهندگان رشوه، ناکام باز می‌گردند! ۱۴۱
- «استمالت» عین الدوله، و «استنکار» شیخ ۱۴۳
- شیخ حتی از «موضع تهمت» می‌گریخت! ۱۴۵
- بخش هفتم: آیا مخالفت شیخ با مشروطه بر سر قالیچهٔ ریاست بود؟! ۱۴۷
- طرح اتهام ۱۴۹
- اتهام زندگان، خود، اتهام را باور ندارند! ۱۵۱
- مرگ زیبای شیخ، ناقض اتهام وی به دنیا طلبی است!..... ۱۵۴
- اگر شیخ ریاست می‌خواست، باید با مخالفان سازش می‌کرد! ۱۵۸

- تضاد مشروطه غربی با اسلام، انگیزه کافی برای مخالفت شیخ بود. ۱۶۱
- اتهام ریاست طلبی به شیخ، از متن به حاشیه رانده می شود! ۱۶۴
- اتهام یادشده، با واقعیت تاریخ، همخوانی ندارد! ۱۶۹
- بخش هشتم: اتهام زندگان، خود متهم اند! ۱۷۷
- سیاهه اتهام زندگان به شیخ ۱۷۹
- رشوت ستانی انجمنهای صدر مشروطه ۱۸۳
- رشوت ستانی ناطقین و ارباب جراید ۱۸۶
- مروری بر پرونده چند تن از اتهام زندگان به شیخ ۱۸۷
۱. ملك المتكلمين ۱۸۸
- ۱-۱. اتهام به باییت (ازلی گری) ۱۸۸
- ۲-۱. فساد عقیده، اظهارات کفر آمیز ۱۹۴
- ۳-۱. عضویت در فراماسونری، دوستی با عناصر مرموز ۱۹۶
- ۴-۱. تندروی و آشوب گری ۱۹۸
- ۵-۱. اخاذی و رشوت ستانی ۲۰۵
۲. سید جمال الدین واعظ اصفهانی ۲۱۶
- ۱-۲. فساد عقیده، و اتهام به باییت ۲۱۶
- ۲-۲. جاه طلبی، مال دوستی و ارتباط با دربار ۲۲۳
۳. حاج سیاح محلاتی ۲۲۶
۴. مدیر حبل المتین ۲۲۹
- پاسخ به یک سؤال ۲۳۲
- بخش نهم: تهمت زندگان رسوا می شوند! ۲۳۳
- نطق آقا یوسف شیرازی ۲۳۵
- داوری محدث بزرگ شیعه، درباره شیخ ۲۳۶
- گواهی دو رادمرد پارسا به پاکی شیخ ۲۳۶
- بخش دهم: به راستی، جرم نابخشودنی شیخ چه بود؟! ۲۳۹
- جرم شیخ، دفاع از دین و استقلال کشور بود! ۲۴۱
- نامه فرزند صاحب عروه به پدر ۲۴۴

۲۴۵ فرق ضالّه و مادی مسلکان، آلت اجرای دسائس استعمار
۲۶۰ حق پوشیده نمی‌ماند! (اعتراف شگفت‌ناظم اسلام)
۳۶۳ ضمائم:
۲۶۳ ضمیمه ۱: بانک شاهنشاهی ایران و انگلیس؛ ماهیت و مواضع استعماری
۲۶۷ ضمیمه ۲: روابط و مناسبات شیخ فضل‌الله و امین‌السلطان از عصر ناصرالدین‌شاه تا مشروطه
۲۹۵ کتابنامه
۲۹۵ الف) مخطوطات
۲۹۵ ب) جراید و نشریات ادواری
۲۹۷ ت) کتب و مقالات

پیشگفتار

سخن از چند شایعه است؛ شایعه‌هایی که عمدتاً به منظور «تخریب» و «ترور شخصیت» شیخ فضل‌الله نوری، فقیه صاحب نام و بحث‌انگیز عصر مشروطه، ساخته و تکثیر شده و حتی در طول زمان تورّم یافته است!

شایعه پردازان مدّعی‌اند که: شیخ فضل‌الله، با اخذ رشوه از روسها، زمینی را به بانک استقراضی روسیه فروخته است. نیز او را متهم به رشوت ستانی از محمدعلی شاه و صدراعظم وی: امین السلطان کرده‌اند. و نیز... و نیز...

به رغم این گونه شایعات، پاره‌ای از مورخان و تحلیلگران مشروطه، داستانهایی چون فروش زمین به بانک استقراضی را (خصوصاً با شاخ و برگهای زیادی که یافته) افسانه‌ای بر ساخته دشمنان شیخ می‌شمارند و حتی دست خارجی را در شیوع و رواج گسترده آن بی‌تأثیر نمی‌دانند.

به راستی این شایعات، تا چه حد مقرون به صحت بوده و در صورت عدم صحت، چه اغراضی پشت آنها قرار داشته است؟

شیخ فضل‌الله نوری، دهها سال در تهران، پایتخت ایران، محکمه قضا داشت و ناظران بی‌طرف، چنانکه خواهیم دید، کارنامه قضایی او را به پاکی و درستی ستوده‌اند. چنانکه «اقبال چشمگیر» مردم به محکمه شیخ در آن روزگار، خود دلیلی کافی بر پاکدستی و دادخواهی اوست. و اگر شیخ، اهل رشوه و این گونه امور بود، هرگز چنان محبوبیتی را در بین خواص و عوام به دست نمی‌آورد.

داوری بین دوتن یا دو گروه، اما، هر قدر هم صحیح و منطقی صورت گیرد - از آنجا که حکم صادره، بهر حال، به «زبان» یکی از طرفین دعوا بوده و «محکومیت» شاکي یا متشاکی را در بردارد - چنانکه می‌دانیم نوعاً خشم طرف محکوم را بر می‌انگیزد، و بدین گونه، هر قدر بر طومار محاکمات افزوده می‌شود آمار ناراضیان فزونی می‌گیرد. افزون بر این، زورمندان جامعه که قاضی و محکمه را «مانع خودکامگی‌ها و تُرکتازی‌ها»ی خویش می‌بینند از پای نمی‌نشینند و با ترفندهای

گوناگون، به جو سازی و پخش شایعات می‌پردازند... حسادت رقیبان نیز که بساط خویش را در قبال آن محکمه «کم رونق» می‌بینند، البته، جای خود دارد.

خدا نکند که قاضی چنین، سیاستمداری «اصولی» و مبارزی «بی پروا و خستگی ناپذیر» هم باشد و در برابر کسانی که دین را، در عرصهٔ اجتماع و سیاست، سست و منزوی می‌خواهند بایستد، منبر رود، روزنامه منتشر کند و بدتر از آن! در برهه ای سخت طوفانی، همچون دوران مشروطه، چنگ بر چهرهٔ روس و انگلیس (که دست خود را، با عقد قراردادی علیه ایران، به دوستی فشرده‌اند) افکند و خواب خوش لندن و پترزبورگ را آشفته سازد! وای و صد وای، که در این صورت، کمترین کیفر چنین شخصیتی «مرگ خونین» خواهد بود و حتی به جنازه‌اش نیز نباید رحم شود!

... و شیخ، همهٔ اینها را داشت! هم محکمه‌اش پر رواج بود، و هم رقیبان و حریفانی زورمند داشت... افزون بر این همه، با احساس تکلیف، به دریای طوفانی سیاست زده و بی پروا با «استراتژی» همسایگان طماع و سلطه جوی آن روز کشورمان (که «بلع ایران» بود) درافتاده بود و تبعات آن را - آگاهانه و فداکارانه - به جان خرید...

کُل مسئله، ظاهراً همین است که گفتیم!

شایعات، اما - هرچه و دربارهٔ هرکه باشند - ممکن است درست باشند. چه، انسان غیر معصوم، «جایز الخطاء» است (و نه البته لازم الخطاء) و قاضیان صالح هم از خطای در داوری کاملاً مصون نیستند. از این رو، حتی در مورد قضاات پاکدامن نیز نباستی از کنار اتهامات به سادگی گذشت. دست کم می‌توان، با بررسی صحت و سُقم شایعات، صدق نیت یا سوء طینت شایعه افکنان را محک زد و ابعاد چنگ روانی آنان را افشا کرد. آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است؟!

دفتر حاضر، در ادامهٔ بررسیهای تاریخی پیرامون شیخ فضل‌الله و مشروطیت، نمونه وار به تحقیق دربارهٔ صحت و سُقم برخی از شایعات فوق می‌پردازد و بررسی این مسئله را نیز از «مروری کلی بر کارنامهٔ قضایی شیخ» آغاز می‌کند.^(۱)

علی ابوالحسنی (مؤثر)

۱. در موارد نقل مطالب از مآخذ گوناگون، تأکید روی کلمات (جز مواردی که استثنا شده) همه جا از ما است.